

## فراوانی و علل رفتارهای خشونت آمیز در مدارس دوره راهنمایی لرستان: از دیدگاه معلمان، معاونان و دانش آموزان<sup>۱</sup>

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی

استادیار دانشگاه تهران

غلامعلی یوسلیانی

کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

مرضیه کرمی

کارشناس ارشد علوم تربیتی

### چکیده

تاریخ دریافت ۱۳۸۵/۹/۱۰ - تاریخ تائید ۱۳۸۶/۱۰/۲۴

هدف پژوهش حاضر بررسی فراوانی و عوامل پدید آورنده خشونت کلامی و بدنی در مدارس دوره راهنمایی استان لرستان از دیدگاه دانش آموزان، معلمان و معاونان مدارس است. بدین منظور نمونه‌ای تصادفی شامل ۳۸۴ دانش آموز، ۱۳۴ معلم و ۳۵ معاون از مدارس سه شهر بروجرد، خرم‌آباد و پلدختر انتخاب شدند و دیدگاه آن‌ها براساس یک پرسشنامه محقق ساخته ۱۷ ماده‌ای درباره عوامل فردی آموزشی، اجتماعی و خانوادگی موثر بر خشونت و یک سیاهه ۱۰ ماده‌ای درباره انواع خشونت کلامی و بدنی در مدرسه سنجیده شد. نتایج نشان داد که دانش آموزان پسر میزان خشونت کلامی و بدنی در مدرسه را به صورت معنادار بیشتر از دختران گزارش می‌کنند. همچنین مقایسه سه گروه حاکی از آن بود که معلمان و معاونان مدارس به ویژه بر اهمیت عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی در بروز خشونت در مدرسه بیش از دانش آموزان تاکید می‌کنند. براساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای کاهش خشونت در مدارس تدارک و فراهم گردد.

**کلیدواژه‌ها:** خشونت کلامی، خشونت بدنی، فراوانی خشونت در مدارس

---

۱. این پژوهش به صورت طرح مصوب و با حمایت مالی سازمان آموزش و پرورش انجام پذیرفته است.

## مقدمه و بیان مساله

خشونت انسان ها نسبت به همدیگر پدیده جدیدی نبوده و قدمت آن به درازای تاریخ بشر است. اما امروزه به دلیل پیچیده تر شدن ساختار زندگی، نمود بیشتری در زندگی فردی و اجتماعی انسان پیدا کرده است. آن چه امروزه نگرانی های زیادی را در مورد رفتارهای خشونت آمیز به وجود آورده است، گسترش خشونت در میان کودکان و نوجوانان، به ویژه در میان دانش آموزان مدارس است. نتایج پژوهش ها بیانگر افزایش و فراگیر شدن این معضل در میان دانش آموزان است، (اسمیت و شارپ<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵). بررسی ها و پژوهش های متعدد انجام گرفته در مدارس کشورهای مختلف، بیانگر وجود انواع خشونت در این مدارس است. دافنر، پلاک و لهماکوهل (۱۹۹۶) در آلمان نشان می دهند که در این کشور، سه درصد از دختران و شش درصد از پسران ۴ تا ۱۸ ساله از سوی اولیای خود پرخاشگر معرفی شده اند. همین طور اولوئوس<sup>۲</sup> (۱۹۹۴) نشان می دهد که ۱۵ درصد از دانش آموزان ابتدایی و متوسطه نروژی با مساله خشونت درگیر هستند و یافته های بلومارت<sup>۳</sup> (۲۰۰۱) بیانگر آن است که در کشور بلژیک، اعمال خشونت و پرخاشگری توسط دانش آموزان، نه تنها در مدارس متوسطه، بلکه در مدارس ابتدایی رایج و متداول است. همین طور پژوهش ها در داخل کشور، حاکی از وجود رفتارهای خشونت آمیز در میان دانش آموزان است، (بازرگان، صادقی، غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، بازرگان و غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۳).

رفتارهای خشونت آمیز و پرخاشگرانه دانش آموزان در مدرسه ممکن است به صورت کلامی یا بدنی باشد. خشونت کلامی مواردی مانند فحش دادن، توهین کردن، تهدید کردن، تحقیر، تمسخر کردن و لقب دادن را در برمی گیرد و پرخاشگری بدنی شامل کتک زدن، هول دادن، مشت زدن، از بین بردن وسایل و سایر اعمال مشابه است که در هر حال هدف هر یک از رفتارهای فوق، آزار دادن دیگران است (بازرگان و

---

1. Smith & Sharp

2. Olweus

3. Blomart

همکاران، ۱۳۸۲، گالن و آندروود<sup>۱</sup>، (۱۹۹۷). از طرف دیگر تفاوت‌های دو جنس در زمینه خشونت در پژوهش‌های متعدد بررسی شده است. آرشر و هایگ<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) باورهای دانش‌آموزان دختر و پسر درباره میزان خشونت را بررسی کرد و نشان داد که دانش‌آموزان پسر نمرات بالاتری را نسبت به دانش‌آموزان دختر در زمینه خشونت بدنی به دست آوردند. فانکس<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) در مورد نوجوانان دبیرستانی نشان می‌دهد که پسرها بیش از دختران در انجام تخلفاتی مانند دروغ گفتن، نام گذاشتن روی دبیران، کتک کاری و آسیب‌رسانی، تهدید کردن با اسلحه یا آزار جنسی شرکت داشته‌اند. آونز<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) تفاوت دانش‌آموزان دختر و پسر را در زمینه خشونت و نگرش‌ها و برآوردهای معلمان نسبت به وجود خشونت در مدارس مطالعه کرد. پسران در مقایسه با دختران از راهبردهای خشونت بدنی بیشتر استفاده می‌کردند، اما دختران بزرگتر نسبت به پسران، بیشتر از خشونت‌های غیرمستقیم استفاده می‌کردند. همین‌طور "هادلی"<sup>۵</sup> (۱۹۹۳) نشان داد که دانش‌آموزان پسر در تمام پایه‌های تحصیلی در مقایسه با دانش‌آموزان دختر هم از نظر خود دانش‌آموزان و هم از نظر معلمان آن‌ها پرخاشگرت‌تر معرفی شده‌اند. بازرگان و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۳) نشان می‌دهند که خشونت بدنی از سوی دانش‌آموزان، معلمان و کارکنان آموزش در مدارس پسرانه بیشتر از مدارس دخترانه شهر تهران است. در هر سه مورد خشونت بدنی (کتک کاری، سیلی زدن و کتک کاری با استفاده از ابزار) تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر وجود دارد. همچنین پژوهشگران دیگر بر تفاوت‌های دو جنس در زمینه خشونت اشاره کرده‌اند، (مناکر<sup>۶</sup>، ۱۹۹۴).

- 
1. Gallen & Underwood
  2. Archer & Haigh
  3. Funks
  4. Owens
  5. Hudly
  6. Menaqker

در عین حال خشونت پدیده پیچیده ای است و عوامل درونی و بیرونی که در تکوین و گسترش آن دخالت دارند، متعددند. "مگارجی و هوکانسن"<sup>۱</sup> (۱۹۷۰) معتقدند که خشونت و پرخاشگری یکی از رفتارهای بشر است. پژوهشگران فوق در تحلیل رفتارهای پرخاشگرانه، این عوامل را به سه دسته تقسیم می کنند: عوامل درونی، عوامل بازدارنده و عوامل موقعیتی یا محیطی. از طرف دیگر، براساس پژوهش های قوم‌نگاری، رفتاری که از نظر معلم ها و مسوولان مدرسه ناشایست، غیرمنطقی و خشونت آمیز به حساب می آید، ممکن است پاسخ منطقی دانش آموزان به شرایط مدرسه باشد: نحوه ارایه مطالب درسی توسط معلم ها، سلسله مراتب رقابتی، وجود تبعیض در مدرسه، جداسازی ها، فاصله ارتباطی بین معلم و شاگرد، می تواند بهانه ای برای رفتارهای نامطلوب دانش آموزان باشد (لوینسون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸).

همچنین فانکس (۱۹۹۵) و "لوزل و بلاینسنر"<sup>۳</sup> (۱۹۹۵) عوامل زیر را در آماده کردن فرد برای استفاده از خشونت موثر می بینند: خصوصیات شخصیتی فردی، عوامل خانوادگی، رابطه با همسالان، شرایط مدرسه و تاثیرپذیری از رسانه ها؛ عوامل مساله ساز در زمینه های خانوادگی، همانند ارتباط ضعیف بین افراد خانواده (کمبود گرما و صمیمیت) جدایی و طلاق والدین، فقر و محرومیت، روش های تربیتی متغیر و پرخاشگرانه، کمبود نظارت و مراقبت یا آزادی بی حد اولیا. در زمینه عوامل فردی باید اشاره کنیم که این خصوصیات هم شامل خصوصیات جسمی و هم روانی است. کاکس<sup>۴</sup> و همکاران (۱۹۸۰) در مطالعه روابط بین دانش آموزان در مدرسه، گزارش داده اند دانش آموزانی که در برقراری ارتباط با دیگران دشواری هایی دارند، بیشتر از دیگر هم سالانشان در مدرسه ناسازگاری نشان می دهند، افت تحصیلی آن ها به مراتب

- 
- 1.Megargee & Hokanson
  - 2.Levinson
  - 3.Losel & Blinsener
  - 4.Cox

بیشتر است، در مهارت های حل مسایل اجتماعی کمبودهایی دارند و درجات بالاتری از مسایل و مشکلات مربوط به بهداشت روانی را نشان می دهند.

علاوه بر عوامل فردی، به نقش عوامل خانوادگی در پژوهش های متعدد اشاره شده است. نتایج پژوهش محمدی (۱۳۸۰) نشان می دهد که دانش آموزان پرخاشگر در خانواده احساس همدردی نمی کنند، در موقع ناملايمات از طرف اعضای خانواده، حمایت نمی شوند. شوشتری (۱۳۷۷) نتیجه می گیرد که دانش آموزانی که از ارتباط عاطفی گرم و صمیمانه با والدین شان برخوردار هستند از سازگاری فردی، اجتماعی و عملکرد تحصیلی بهتری و بالاتری برخوردارند. پژوهش امینی (۱۳۸۱)، عوامل خانوادگی (مشاجره، اعتیاد) را مهمترین عوامل موثر در بزهکاری دانش آموزان می داند.

لوزل و بلاینسر (۱۹۹۵) کمبود نظارت و مراقبت یا آزادی بی حد اولیای را در آماده نمودن فرد برای استفاده از خشونت موثر می بینند. نتیجه پژوهشی در آمریکا بر روی گروه نمونه ای شامل ۹۳۹ دانش آموز نشان می دهد که یکی از مهم ترین متغیرهای پیش بین برای خشونت آنان، وجود خشونت بین والدین در منزل است. (اوکیفی، ۱۹۹۹). همچنین، دیگر پژوهشگران نقش عوامل خانوادگی را در زمینه بروز خشونت بررسی کرده اند (ملا حمزه زاده، ۱۳۸۰؛ شک، ۱۹۹۸؛ دالبرگ، ۱۹۹۸؛ مسالم، ۱۹۹۰). علاوه بر عوامل فردی و خانوادگی، عوامل آموزشی در زمینه خشونت موثرند. از جمله این عوامل، می توان به محیط فیزیکی کلاس و مدرسه، نحوه ارتباط و تعامل اولیای مدرسه با دانش آموزان، مدیریت کلاسی، نحوه تدریس معلمان، برنامه ریزی و محتوای دروس، انضباط اولیای مدرسه (الگوهای رفتاری موجود در مدرسه) و مدیریت آموزشی اشاره نمود. مهابادی (۱۳۷۷) نشان می دهد که طرز برخورد اولیاء مدرسه با کثرت رفتاری دانش آموزان رابطه دارد. "بریج و لاد" (۱۹۹۷) نتیجه

- 1.Ckeefe
- 2.Shek
- 3.Dalberg
- 4.Masselam
- 5.Brich & ladd

می گیرند دانش آموزانی که رابطه مثبتی با معلمانشان دارند، نسبت به کودکانی که روابط مساله داری با معلمانشان دارند، سازگاری بهتری در مدرسه دارند. از دیگر عواملی که می تواند موجب بدرفتاری دانش آموزان در محیط مدرسه شود، شرایط فیزیکی نامطلوب محیط آموزشی همانند نامناسب بودن فضای کلاس، میزان نور، درجه حرارت، تعداد زیاد دانش آموز، فضای کم محیط مدرسه و کلاس درس، سرما یا گرمای بیش از اندازه و سر و صدای زیاد است (گرچی، ۱۳۷۴). با توجه به مسایلی که مطرح شد، پژوهش حاضر در صدد است به این سوال ها پاسخ دهد:

انواع رفتارهای خشونت آمیز و فراوانی هر یک از آن ها در دانش آموزان لرستانی چگونه است؟

آیا بین انواع و فراوانی رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان دختر و پسر تفاوتی وجود دارد؟

آیا تفاوتی بین نظر دانش آموزان، معلمان و معاونان مدرسه در مورد عوامل پدیدآورنده خشونت وجود دارد؟

### روش پژوهش

**طرح پژوهش.** از آن جایی که در این مطالعه به بررسی میزان شیوع رفتارهای خشونت آمیز و نظر معاونان، معلمان و دانش آموزان در مورد عوامل به وجود آورنده آن پرداخته است، طرح مورد استفاده پیمایشی است.

**جمعیت آماری؛ نمونه و روش نمونه گیری.** جامعه آماری پژوهش شامل تمامی معاونان، معلمان و دانش آموزان مقطع راهنمایی مدارس دولتی استان لرستان در سال تحصیلی ۸۵-۱۳۸۴ است. به این منظور، نمونه ای تصادفی به تعداد ۳۸۴ نفر دانش آموز و ۱۳۴ نفر معلم با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شده است. لازم به ذکر است منظور از خوشه در این جا، مناطق مختلف آموزشی استان لرستان است. ابتدا مناطق آموزش و پرورش استان لرستان را از لحاظ جغرافیایی به سه منطقه شمال، جنوب و مرکز تقسیم نموده و سپس از هر منطقه جغرافیایی، یکی از

مناطق آموزش و پرورش را به طور تصادفی انتخاب کرده ایم. از منطقه جغرافیایی شمال شهر بروجرد، از منطقه مرکزی، شهرستان خرم آباد و از منطقه جنوب، شهر پلدختر انتخاب شده است. در مرحله بعدی، از هر منطقه انتخابی، ۸ مدرسه (۴ مدرسه راهنمایی پسرانه و ۴ مدرسه راهنمایی دخترانه) به صورت تصادفی انتخاب و از هر مدرسه، ۱۶ نفر دانش آموز انتخاب شده است. بدین ترتیب، تعداد ۳۸۴ دانش آموز از سه منطقه انتخاب شده اند. دانش آموزان به تعداد مساوی از سه پایه اول، دوم و سوم انتخاب شده اند. از هر مدرسه انتخابی ۶ نفر معلم به صورت تصادفی همراه با معاونان مدارس، به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفته اند. با توجه به تعداد کمتر معاونان در مقایسه با دو گروه دیگر، تمامی آن ها از مدارس انتخابی مناطق آموزش و پرورش لرستان (۲۴ مدرسه) سرشماری شده اند و تعداد آن ها ۳۵ نفر است.

**ابزار اندازه گیری.** پرسشنامه عوامل پدیدآورنده رفتارهای خشونت آمیز در دانش آموزان: این پرسشنامه به منظور بررسی عوامل پدیدآورنده رفتارهای خشونت آمیز در دانش آموزان استفاده شده است. پرسشنامه محقق ساخته و با استفاده از پیشینه نظری و پژوهش های قبلی (بازرگان، صادقی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳؛ بازرگان و غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۳) تهیه شده است. این پرسشنامه دارای ۱۷ سوال پاسخ بسته بر اساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) تنظیم شده است و عوامل پدیدآورنده رفتارهای خشونت آمیز را در ۴ مقوله عوامل آموزشی، خانوادگی، فردی و فرهنگی - اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد. به منظور حصول اطمینان از وجود روایی آزمون، پس از تنظیم پرسشنامه به طور مقدماتی بین چند نفر از افراد هر گروه اجرا شد و پس از اصلاحات لازم در اختیار چند نفر از متخصصان روان شناسی و تعلیم و تربیت قرار گرفت. روایی صوری و محتوایی پرسشنامه به وسیله این افراد بررسی شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) محاسبه شده که مقدار ضریب به دست آمده برابر با ۰/۸۵ است.

**سیاهه انواع رفتارهای خشونت آمیز دانش آموز.** این سیاهه در برگیرنده ۱۰ نوع رفتار خشونت آمیز است. ۵ ماده مربوط به خشونت کلامی (فحش و ناسزاگویی، توهین و

تهمت، تمسخر و برچسب زدن به قصد آزار و اذیت، تهدید دیگران، و درگیری لفظی با اولیای مدرسه ( و ۵ ماده مربوط به خشونت بدنی (دعوا و کتک کاری، درگیری بدنی با اولیای مدرسه، از بین بردن بهداشت و نظافت مدرسه، تخریب و از بین بردن وسایل دیگران و تخریب اموال و اثاثیه مدرسه) است. ماده های این سیاهه، ابتدا در اختیار چند نفر از کارشناسان و همچنین تعدادی از معاونان مدارس قرار گرفت. از آن‌ها خواسته شد که هر یک از موارد خشونت را مطالعه و در صورتی که جزو رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان است، آن را مشخص نمایند. همچنین اگر رفتار خشونت آمیزی وجود دارد که در سیاهه نیامده، آن را قید نمایند. بعد از جمع‌آوری نظر پاسخ‌گویان، سیاهه نهایی تهیه شد. با توجه به نوع مقیاس ۴ درجه ای (هرگز، به ندرت، گاهی اوقات و همیشه)، برای روایی سیاهه از آزمون کالموگراف- اسمیرنف استفاده شد و همه ماده ها در سطح  $P < 0/001$  معنادار بودند. این به معنای آن است که مقادیر حاصل از نمونه از جامعه ای با توزیع نظری مشخصی آمده اند.

#### یافته های پژوهش

برای مطالعه انواع رفتارهای خشونت آمیز کلامی در مدرسه از ۵ ماده استفاده شد. در جدول ۱ درصد پاسخ دانش آموزان به هر گزینه، به تفکیک جنسیت همراه با نتایج آزمون ناپارامتری خی دو و سطح معناداری گزارش می شود. ملاحظه نتایج درباره ماده اول حاکی از آن است که  $68/8$  درصد از دانش آموزان هرگز اقدام به رفتار خشونت آمیز فحش و ناسزاگویی نمی کنند.  $16/1$  درصد به ندرت و  $14/3$  درصد گاهی اوقات مرتکب این رفتار می شوند. مقایسه دانش آموزان دختر و پسر نشان می دهد که دانش آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دانش آموزان دختر اقدام به فحاشی و ناسزاگویی می کنند. درباره ماده دوم، مقایسه دانش آموزان دختر و پسر نشان می دهد که پسران به طور معناداری بیشتر از دختران اقدام به توهین و تهمت زدن می کنند. در زمینه ماده سوم، مقایسه دانش آموزان دختر و پسر نشان می دهد که دانش آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دختران اقدام به تمسخر و برچسب زدن می کنند. در ماده چهارم، مقایسه دانش آموزان در این زمینه نشان می دهد که دانش آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دختران اقدام به رفتار تهدید دیگران می کنند.



جدول ۱. درصد رفتار های خشونت آمیز کلامی در دانش آموزان به تفکیک جنسیت و آزمون خی دو

ماده ها	جنسیت	گزینه	هرگز	به ندرت	گاهی اوقات	همیشه	خی دو
ماده ۱	دختر	۸۳/۳	۱۰/۹	۵/۲	۰/۵		
	پسر	۵۴/۲	۲۱/۴	۲۳/۴	۱		۴۰/۹۳**
	جمع	۶۸/۸	۱۶/۱	۱۴/۳	۰/۸		
ماده ۲	دختر	۸۲/۳	۱۳	۴/۲	۰/۵		
	پسر	۶۱/۵	۲۲/۴	۱۵/۱	۱		۲۳/۶۳**
	جمع	۷۱/۹	۱۷/۷	۹/۶	۰/۸		
ماده ۳	دختر	۸۵/۹	۸/۹	۴/۷	۰/۵		
	پسر	۶۱/۵	۲۴/۵	۱۲	۲/۱		۳۰/۴۲**
	جمع	۷۳/۶	۱۶/۷	۸/۴	۱/۳		
ماده ۴	دختر	۹۱/۷	۶/۳	۲/۱	-		
	پسر	۷۱/۹	۱۶/۱	۱۰/۴	۱/۶		۲۶/۶۶**
	جمع	۸۱/۸	۱۱/۲	۶/۳	۰/۸		
ماده ۵	دختر	۹۰/۱	۸/۳	۱/۶	-		
	پسر	۸۹	۸/۹	۲/۱	-		۰/۱۹۷
	جمع	۸۹/۶	۸/۶	۱/۸	-		

\*\* P<۰/۰۱

در ماده پنجم، ۱/۸ درصد از دانش آموزان گاهی اوقات و ۸/۶ درصد، به ندرت مرتکب رفتار خشونت آمیز درگیری لفظی با اولیای مدرسه می شوند. ۸۹/۶ درصد، هرگز مرتکب رفتار خشونت آمیز مذکور نمی شوند. نتیجه آزمون خی دو نشان می دهد که تفاوت معناداری بین دانش آموزان دختر و پسر در این زمینه وجود ندارد. در زمینه انواع رفتارهای خشونت آمیز بدنی در مدرسه، از ۵ ماده استفاده شد. در جدول ۲، درصد پاسخ دانش آموزان به هر گزینه، به تفکیک جنسیت همراه با نتایج آزمون ناپارامتری خی دو و سطح معناداری آن گزارش می شود:

جدول ۲. درصد رفتار های خشونت آمیز بدنی در دانش آموزان به تفکیک جنسیت و آزمون خی دو

ماده ها	گزینه جنسیت	هرگز	به ندرت	گاهی اوقات	همیشه	خی دو
ماده ۱	دختر	۸۰/۷	۱۳	۶/۳	-	۴۶/۶۹**
	پسر	۴۹	۳۰/۲	۱۸/۸	۲/۱	
	جمع	۶۴/۸	۲۱/۶	۱۲/۵	۱	
ماده ۲	دختر	۸۹/۱	۱۰/۹	-	-	۱۹/۳۷**
	پسر	۷۳/۴	۲۴	۲/۶	-	
	جمع	۸۱/۳	۱۷/۴	۱/۳	-	
ماده ۳	دختر	۸۶/۴	۱۱/۵	۲/۱	-	۶/۶۹*
	پسر	۷۶/۴	۱۸/۳	۵/۲	-	
	جمع	۸۱/۴	۱۴/۹	۳/۷	-	
ماده ۴	دختر	۷۵	۱۷/۷	۷/۳	-	۵/۱۰
	پسر	۷۲/۹	۲۲/۹	۳/۶	۰/۵	
	جمع	۷۴	۲۰/۳	۵/۵	۰/۳	
ماده ۵	دختر	۹۶/۹	۲/۱	۱	-	۳/۶۰
	پسر	۹۶/۳	۳/۷	-	-	
	جمع	۹۶/۶	۲/۹	۰/۵	-	

\*P&lt;۰/۰۵

\*\*P&lt;۰/۰۰۱

بررسی پاسخ ها به ماده اول بیانگر آن است که ۶۴ درصد از دانش آموزان، هرگز اقدام به رفتار خشونت آمیز دعوا و کتک کاری نمی کنند. مقایسه دانش آموزان دختر و پسر نشان می دهد که دانش آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دانش آموزان دختر اقدام به رفتار خشونت آمیز دعوا و کتک کاری می کنند. در ماده دوم، مقایسه دانش آموزان دختر و پسر نشان می دهد که دانش آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دانش آموزان دختر اقدام به تخریب اموال و اثاثیه مدرسه می کنند. در ماده سوم ۸۱/۴ درصد از دانش آموزان هرگز اقدام به رفتار خشونت آمیز تخریب و از بین بردن وسایل دیگران نمی کنند. مقایسه دانش آموزان دختر و پسر نشان می دهد که

دانش‌آموزان پسر به طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان دختر اقدام به رفتار خشونت آمیز تخریب و از بین بردن وسایل دیگران می‌کنند. در ماده چهارم، ۷۴ درصد هرگز اقدام به از بین بردن بهداشت و نظافت مدرسه نمی‌کنند. نتیجه آزمون خبی دو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر در این زمینه وجود ندارد. در ماده پنجم ۹۶/۶ درصد از دانش‌آموزان هرگز اقدام به درگیری بدنی با اولیای مدرسه نمی‌کنند. نتیجه آزمون خبی دو نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان دختر و پسر در این زمینه وجود ندارد.

برای بررسی این موضوع که چه عوامل آموزشی در بروز رفتارهای خشونت آمیز در دانش‌آموزان موثر است، از ۳ ماده استفاده شد. نتایج در جدول زیر آمده است:

جدول ۳. درصد پاسخ برای عوامل آموزشی موثر در رفتارهای خشونت آمیز دانش‌آموزان به تفکیک گروه و آزمون خبی دو

ماده	گروه گزینه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	خبی دو
ماده ۱	دانش آموز	۱۲/۶	۱۵/۲	۲۷/۲	۲۸/۳	۱۶/۸	۱۷/۰۲*
	معلم	۶/۹	۱۳/۱	۱۸/۶	۳۳/۱	۲۸/۳	
	معاون	۱۷/۶	۱۱/۸	۲۶/۵	۳۲/۴	۱۱/۸	
	جمع	۱۱/۴	۱۴/۴	۲۵	۲۹/۸	۱۹/۴	
ماده ۲	دانش آموز	۱۸/۱	۱۷/۱	۲۱/۳	۱۶/۸	۲۶/۸	۱۰/۴۲
	معلم	۱۲	۱۵/۹	۲۰/۷	۲۷/۶	۲۳/۴	
	معاون	۱۱/۴	۲۲/۹	۱۷/۱	۲۲/۹	۲۵/۷	
	جمع	۱۶/۲	۱۷/۱	۲۰/۹	۲۰	۲۵/۸	
ماده ۳	دانش آموز	۱۱/۳	۱۳/۹	۲۷/۶	۱۸/۹	۲۸/۲	۳۰/۲۵**
	معلم	۵/۸	۱۵/۹	۳۴/۱	۲۹/۷	۱۴/۵	
	معاون	۲/۹	۳۲/۴	۳۵/۳	۲۰/۶	۸/۸	
	جمع	۹/۴	۱۵/۶	۲۹/۷	۲۱/۷	۲۳/۶	

\*P<۰/۰۵

\*\*P<۰/۰۰۱

ملاحظه نتایج جدول درباره ماده اول حاکی از آن است که ۲۵/۸ درصد از پاسخ‌گویان، فضا و امکانات آموزشی نامناسب را در حد کم و خیلی کم در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان موثر می‌دانند. نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در مورد موثر بودن این عامل نشان می‌دهد. معلمان بیشتر از معاونان و دانش آموزان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز هستند.

در ماده دوم، یعنی برخورد نامناسب معلمان و مسوولان مدرسه با دانش آموزان نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو، تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه نشان نمی‌دهد. در ماده سوم، نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو، تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در مورد میزان مؤثر بودن شرایط آموزشی نامناسب، مانند حجم کتاب‌های درسی نشان می‌دهد. دانش آموزان و معلمان، بیشتر از معاونان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز هستند. برای بررسی عوامل خانوادگی موثر در بروز رفتارهای خشونت آمیز در دانش آموزان، از ۴ ماده استفاده شد.

در جدول ۴، درصد پاسخ‌های آزمودنی‌ها به تفکیک گروه، یعنی دانش آموز، معلم و معاون همراه با آزمون مجذورخی گزارش شده است. ملاحظه پاسخ آزمودنی‌ها به ماده اول حاکی از آن است که ۳۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان معتقدند که فقر فرهنگی خانواده در حد کم و خیلی کم در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان موثر است. نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو، تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در مورد میزان تاثیر این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان نشان می‌دهد. معاونان و معلمان بیشتر از دانش آموزان به موثر بودن این عامل تاکید کرده‌اند. در ماده دوم، نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو تفاوت معناداری را بین دیدگاه سه گروه در باره میزان موثر بودن این عامل یا فقر مالی و اقتصادی خانواده نشان می‌دهد. معاونان و معلمان بیشتر از دانش آموزان بر موثر بودن این عامل تاکید می‌کنند. در ماده سوم، ۲۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان عنوان کرده‌اند که مسائل و مشکلات عاطفی خانواده در حد کم و خیلی کم در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان موثر می‌باشد. نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در

مورد میزان موثر بودن این عامل نشان می‌دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند. در ماده چهارم، نتیجه به دست آمده از آزمون خی دو تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه نشان می‌دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان، معتقد به تاثیر این عامل یا عملکرد و ویژگی‌های نامطلوب خانواده در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند.

جدول ۴. درصد پاسخ عوامل خانوادگی موثر در رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان به تفکیک گروه و آزمون خی دو

ماده ها	گزینه ها گروه ها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	خی دو
ماده ۱	دانش آموز	۲۹/۶	۱۷/۴	۲۳/۷	۱۷/۴	۱۱/۹	**۰/۰۰۱ P <
	معلم	۳/۴	۵/۵	۱۶/۴	۳۲/۲	۴۲/۵	
	معاون	-	۵/۷	۲۲/۹	۲۵/۷	۴۵/۷	
	جمع	۲۰/۹	۱۳/۶	۲۱/۸	۲۱/۸	۲۲	
ماده ۲	دانش آموز	۲۵/۸	۲۱/۹	۲۶/۱	۱۴/۶	۱۱/۵	**۰/۰۰۱ P <
	معلم	۲/۸	۱۶	۲۱/۵	۲۹/۹	۲۹/۹	
	معاون	۸/۶	۸/۶	۱۴/۳	۳۱/۴	۳۷/۱	
	جمع	۱۸/۹	۱۹/۶	۲۴/۲	۱۹/۶	۱۷/۸	
ماده ۳	دانش آموز	۲۳/۲	۱۴/۶	۲۰/۹	۲۰/۱	۲۱/۱	**۰/۰۰۱ P <
	معلم	۳/۴	۲/۷	۱۵/۸	۳۶/۳	۴۱/۸	
	معاون	۲/۹	۵/۷	۲۰	۳۴/۳	۳۷/۱	
	جمع	۱۶/۸	۱۱	۱۹/۵	۲۵/۲	۲۷/۵	
ماده ۴	دانش آموز	۳۱/۲	۸/۷	۱۳/۶	۱۷/۱	۲۹/۴	**۰/۰۰۱ P <
	معلم	۲/۲	۲/۹	۱۰/۳	۲۸/۷	۵۵/۹	
	معاون	۳	۹/۱	۱۲/۱	۳۶/۴	۳۹/۴	
	جمع	۲۲/۴	۷/۳	۱۲/۷	۲۱/۱	۳۶/۵	

\* P < ۰/۰۵      \*\* P < ۰/۰۰۱

برای بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر در بروز رفتارهای خشونت آمیز در دانش آموزان از ۵ ماده استفاده شد. در جدول ۵، درصد پاسخ های آزمودنی ها به تفکیک گروه همراه با آزمون مجذور خی گزارش شده است. در ماده اول، نتیجه به

دست آمده از آزمون خبی دو، تفاوت معناداری را بین نظرسه گروه در مورد موثر بودن شرایط نامناسب اجتماعی و فرهنگی محل سکونت دانش آموز نشان می دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان، معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند.

جدول ۵. درصد پاسخ برای عوامل فرهنگی و اجتماعی موثر در رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان به تفکیک گروه و آزمون خبی دو

ماده ها	گزینه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	خی دو
ماده ۱	دانش آموز	۲۰/۹	۲۳/۶	۲۴/۱	۲۰/۴	۱۱	**۱۲۸/۶۱
	معلم	۲/۱	۲/۷	۱۶/۴	۳۹	۳۹/۷	
	معاون	-	۵/۹	۲۰/۶	۲۳/۴	۴۱/۲	
	جمع	۱۴/۸	۱۷/۱	۲۱/۹	۲۶	۲۰/۳	
ماده ۲	دانش آموز	۲۲/۸	۱۱/۹	۱۶/۱	۱۶/۷	۳۲/۵	**۴۶/۷۴
	معلم	۴/۱	۴/۸	۱۷/۹	۳۱/۷	۴۱/۴	
	معاون	۲/۹	۱۴/۳	۲۲/۹	۲۰	۴۰	
	جمع	۱۶/۷	۱۰/۲	۱۷	۲۰/۸	۳۵/۳	
ماده ۳	دانش آموز	۱۵/۳	۲۱/۱	۲۸/۲	۲۱/۱	۱۴/۲	**۷۱
	معلم	۲/۱	۷/۹	۲۰/۷	۳۵	۳۴/۳	
	معاون	۲/۹	۸/۸	۲۹/۴	۵۰	۸/۸	
	جمع	۱۱/۲	۱۷	۲۶/۴	۲۶/۴	۱۹	
ماده ۴	دانش آموز	۱۲/۳	۱۹	۲۲/۷	۲۸/۳	۱۷/۶	**۳۷/۶۱
	معلم	۵/۱	۵/۸	۲۳/۴	۳۷/۲	۲۸/۵	
	معاون	-	۶/۱	۴۵/۵	۳۳/۳	۱۵/۲	
	جمع	۹/۷	۱۴/۹	۲۴/۳	۳۰/۹	۲۰/۲	
ماده ۵	دانش آموز	۲۴/۷	۲۱/۱	۲۰/۸	۱۷/۶	۱۵/۸	**۴۶۰/۰۹
	معلم	۷/۹	۱۰/۸	۲۵/۹	۲۵/۹	۲۹/۵	
	معاون	۲/۹	۱۱/۸	۲۰/۶	۳۵/۳	۲۹/۴	
	جمع	۱۹/۲	۱۷/۹	۲۲/۱	۲۰/۸	۲۰/۱	

\*  $P < 0.05$       \*\*  $P < 0.001$

در ماده دوم، ۵۶/۱ درصد از پاسخ گویان معتقدند که معاشرت و هم نشینی با دوستان پرخاشگر، ناباب و بزهکار در حد زیاد و خیلی زیاد در بروز خشونت موثر است. نتیجه به دست آمده از آزمون خی دو، تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در مورد میزان تاثیر این عامل نشان می دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان بر این عامل تاکید کرده اند. در ماده سوم، نتیجه به دست آمده از آزمون خی دو تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه نشان می دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان معتقد به تأثیر این عامل یعنی نبود راه ها و شیوه های مساعد در جامعه برای نوجوانان و جوانان جهت ابراز وجود، تخلیه انرژی و هیجان در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند. در ماده چهارم، ۲۴/۶ درصد از پاسخ گویان، وجود خشونت در جامعه، خانواده، مدرسه و الگوپذیری دانش آموزان از آن در حد کم و خیلی کم و ۵۱/۱ درصد آن را در حد زیاد و خیلی زیاد انتخاب کرده اند. نتیجه به دست آمده از آزمون خی دو تفاوت معناداری را بین سه گروه نشان می دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند. در ماده پنجم، یا عنوان پخش برنامه های خشونت آمیز از تلویزیون و الگوپذیری دانش آموزان از آن نتیجه به دست آمده از آزمون خی دو نشان دهنده وجود تفاوت معنادار بین نظر سه گروه است. معاونان و معلمان بیشتر از دانش آموزان بر این عامل تاکید کرده اند.

برای بررسی عوامل فردی و روانی موثر در بروز رفتارهای خشونت آمیز در دانش آموزان از ۵ ماده استفاده شد. در جدول ۶، درصد پاسخ های آزمودنی ها به تفکیک گروه همراه با آزمون مجذور خی گزارش شده است.

جدول ۶. درصد پاسخ برای عوامل فردی موثر در رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان به تفکیک گروه

و آزمون خی دو

ماده ها	گروه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	خی دو
ماده ۱	دانش آموز	۱۷/۷	۱۹/۸	۱۹/۳	۲۱/۱	۲۲/۲	
	معلم	۲/۱	۴/۸	۱۵/۹	۳۵/۹	۴۱/۴	
	معاون	-	۱۷/۱	۱۷/۱	۴۰	۲۵/۷	**۶۶/۴۱
	جمع	۱۲/۵	۱۵/۷	۱۸/۲	۲۶/۱	۲۷/۴	
ماده ۲	دانش آموز	۱۹/۱	۱۹/۱	۲۸/۱	۱۸	۱۵/۶	
	معلم	۶/۲	۱۹/۲	۳۰/۱	۳۰/۸	۱۳/۷	
	معاون	۱۵/۲	۱۵/۲	۳۳/۳	۳۰/۳	۷/۱	*۲۲/۸۷
	جمع	۱۵/۵	۱۸/۹	۲۹	۲۲/۱	۱۴/۶	
ماده ۳	دانش آموز	۲۶/۸	۱۷/۲	۲۱/۴	۱۹/۳	۱۵/۳	
	معلم	۹/۲	۱۰/۶	۲۹/۱	۳۱/۹	۱۹/۱	
	معاون	۶/۸	۱۴/۳	۴۵/۷	۲۰	۱۱/۴	**۳۸/۲۴
	جمع	۲۱/۱	۱۵/۳	۲۵	۲۲/۶	۱۶	
ماده ۴	دانش آموز	۲۱/۳	۲۳/۴	۲۲/۶	۲۰/۵	۱۲/۱	
	معلم	۲/۹	۱۲/۹	۳۰/۹	۳۳/۱	۲۰/۱	
	معاون	۶/۱	۱۲/۱	۳۶/۴	۳۰/۳	۱۵/۲	**۴۶/۸۲
	جمع	۱۵/۸	۲۰/۱	۲۵/۵	۲۴/۳	۱۴/۳	
ماده ۵	دانش آموز	۱۸/۲	۲۰/۳	۲۲/۹	۲۱/۶	۱۶/۹	
	معلم	۳/۶	۱۰/۸	۳۱/۷	۳۳/۱	۲۰/۹	
	معاون	۵/۹	۵/۹	۳۸/۲	۳۵/۳	۱۴/۷	**۳۸/۴۱
	جمع	۱۳/۸	۱۷/۱	۲۶	۲۵/۳	۱۷/۸	

\*  $P < 0.05$     \*\*  $P < 0.001$

بررسی پاسخ آزمودنی‌ها به ماده اول، یعنی خصوصیات فردی دانش آموز، مانند عصبی بودن، داشتن روحیه پرخاشگری و انتقام جویی نتیجه به دست آمده از آزمون خی دو تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در مورد میزان موثر بودن این عامل نشان می‌دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید



آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند. در ماده دوم یا افت تحصیلی و ناتوانی دانش آموز در حل مسایل درسی و تحصیلی، نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو، تفاوت معناداری را بین سه گروه نشان می دهد. معلمان و معاونان بیش از دانش آموزان بر این عامل تاکید کرده اند. در ماده سوم، یا مشکلات جسمی و روانی دانش آموز، نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو تفاوت معناداری را بین سه گروه در مورد میزان موثر بودن این عامل نشان می دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان بر این عامل تاکید کرده اند. در ماده چهارم، با عنوان شرایط و ویژگی های نامطلوب فردی، نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو تفاوت معناداری را بین نظر سه گروه در مورد میزان موثر بودن این عامل نشان می دهد. معلمان و معاونان بیشتر از دانش آموزان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند. در ماده پنجم یا ضعف دانش آموزان در زمینه مهارت های اجتماعی نتیجه به دست آمده از آزمون خبی دو، نشان دهنده تفاوت معنادار بین نظر سه گروه در مورد میزان تاثیر این عامل است. معلمان و معاونان، بیشتر از دانش آموزان معتقد به موثر بودن این عامل در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز دانش آموزان هستند.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج به دست آمده در مورد فراوانی خشونت و پرخاشگری کلامی و بدنی در مدارس استان لرستان حاکی از وجود خشونت، اما به نسبت کم تر در مقایسه با پژوهش های بازرگان، صادقی و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۲، ۱۳۸۳)، بازرگان و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۳) در مدارس شهر تهران است. برای مثال، مورد فحش و ناسزاگویی که شایع ترین رفتار خشونت آمیز بین دانش آموزان گزارش شده، به صورتی است که حدود ۱۴/۳ درصد از دانش آموزان گاهی اوقات اقدام به این رفتار خشونت آمیز می کنند. بعد از آن به ترتیب رفتار دعوا و کتک کاری، توهین و تهمت، تمسخر و برچسب زدن، تهدید دیگران، از بین بردن نظافت مدرسه، تخریب و از بین بردن وسایل دیگران، درگیری لفظی با اولیای مدرسه، تخریب اموال و اثاثیه مدرسه و درگیری بدنی

با اولیای مدرسه قرار دارد که از این درصد هم کمتر است. بازرگان، صادقی و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۲، ۱۳۸۳)، و بازرگان و غلامعلی لواسانی (۱۳۸۳) نشان داده اند که موارد خشونت کلامی و بدنی در مدارس شهر تهران از دیدگاه معلمان و دانش آموزان تهرانی از فراوانی بیشتری برخوردار است. دلایل احتمالی تفاوت این یافته ها، به شرایط فرهنگی و نظام آموزشی متفاوت در شهر بزرگ تهران در مقایسه با شهرهای خرم آباد، بروجرد و پلدختر بر می گردد. یک دلیل احتمالی دیگر، به نوع پاسخ گویی افراد نمونه باز می گردد، یعنی احتمال دارد در استان لرستان، مشارکت کنندگان در این پژوهش بنابر ملاحظات خاصی از ارایه پاسخ مناسب طفره رفته باشند.

نتایج پژوهش در زمینه عوامل خانوادگی حاکی از آن است که از میان عوامل مرتبط با خانواده، عملکرد و ویژگی های نامطلوب خانواده، موثرترین عامل خانوادگی در بروز رفتارهای خشونت آمیز در دانش آموزان گزارش شده است. بعد از این عامل، مسایل و مشکلات عاطفی خانواده، فقر فرهنگی خانواده و فقر اقتصادی خانواده به ترتیب دارای بیشترین تاثیر در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز هستند. آزمون خبی دو نشان دهنده تفاوت معنادار بین نظر پاسخگویان در مورد عوامل خانوادگی است و میزان تاثیرگذاری این عوامل از نظر معاونان و معلمان، بیشتر از دانش آموزان است. به هر حال تاثیر عوامل خانوادگی، به منزله عوامل پدید آورنده خشونت قبلا در پژوهش های شوشتری (۱۳۷۷)؛ محمدی (۱۳۸۰)؛ لوزل و بلاینسر (۱۹۹۵)؛ شک (۱۹۹۸) و اوکی فی (۱۹۹۹) نشان داده شده است.

از میان عوامل آموزشی، شرایط آموزشی نامناسب و نامطلوب، موثرترین عامل از نظر پاسخ گویان در بروز رفتارهای خشونت آمیز است. فضا و امکانات آموزشی و برخورد نامناسب معلمان و مسوولان مدرسه با دانش آموزان، در رتبه های بعدی قرار دارند. مقایسه نظر پاسخ گویان در زمینه عوامل آموزشی نشان می دهد که در عامل برخورد نامناسب معلمان و مسوولان مدرسه با دانش آموزان تفاوت معناداری بین سه گروه وجود ندارد، ولی در دو عامل دیگر تفاوت معناداری بین نظر پاسخ گویان وجود دارد. دانش آموزان و معلمان بیشتر از معاونان معتقد به مؤثر بودن شرایط آموزشی

نامناسب و نامطلوب در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز هستند. در مورد عامل فضا و امکانات آموزشی نامناسب، معلمان بیشتر از دانش آموزان و معاونان بر این عامل تاکید کرده اند. در زمینه عوامل فردی، خصوصیات فردی دانش آموز موثرترین عامل فردی در بروز رفتارهای خشونت آمیز است. بعد از این عامل، ضعف دانش آموزان در زمینه مهارت های اجتماعی و مشکلات جسمی و روانی دانش آموز به ترتیب بیشترین نقش را در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز بر عهده دارند. نتیجه آزمون خبی دو حاکی از وجود تفاوت معنادار بین نظر سه گروه در مورد عوامل فردی موثر در بروز رفتارهای خشونت آمیز است. معاونان و معلمان، تاثیرگذاری این پنج عامل را بیشتر از دانش آموزان عنوان کرده اند.

در زمینه عوامل فرهنگی و اجتماعی، معاشرت و هم نشینی دانش آموزان با دوستان پرخاشگر، ناباب و بزهکار، موثرترین عامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز از نظر پاسخ گویان است. وجود خشونت در جامعه، خانواده و مدرسه و الگوپذیری دانش آموزان از آن، نبود راه ها و شیوه های مساعد در جامعه برای نوجوانان و جوانان جهت ابراز وجود، تخلیه انرژی و هیجان، شرایط نامناسب اجتماعی و فرهنگی محل سکونت دانش آموز و پخش برنامه های خشونت آمیز از تلویزیون و الگوپذیری دانش آموزان از آن، به ترتیب دارای بیشترین تاثیر در پدید آوردن رفتارهای خشونت آمیز هستند. نتیجه آزمون خبی دو، حاکی از وجود تفاوت معنادار بین نظرات پاسخ گویان در مورد عوامل فرهنگی و اجتماعی است. معلمان و معاونان این عوامل را موثرتر از دانش آموزان می دانند. همان طور که ملاحظه می شود در اغلب عوامل مورد بررسی که موجب خشونت بدنی یا کلامی دانش آموزان می شود، همواره معلمان و معاونان مدرسه تاکید بیشتری داشته اند و آزمون های مجذور خبی در بیشتر این موارد معنادار شده است. این قضیه، بیانگر حساسیت و توجه بیشتر اولیای آموزشی به اهمیت مساله خشونت است و دلایل احتمالی آن را باید در تجربه بیشتر آن ها از روابط انسانی جست و جو کرد.

نتایج این پژوهش، همچنین نشان دهنده تفاوت معنادار بین دیدگاه دانش آموزان دختر و پسر در بیشتر رفتارهای خشونت آمیز است. دانش آموزان پسر به طور معناداری، بیشتر از دختران اقدام به رفتارهای خشونت آمیز را گزارش می نمایند. این یافته، با نتایج پژوهش های قبلی در ایران و حتی خارج از ایران هماهنگی دارد. پژوهشگران قبلی، خشونت و پرخاشگری پسران را در مدرسه از دختران بیشتر گزارش کرده اند، (بازرگان، صادقی و غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳؛ بازرگان و غلامعلی لواسانی، ۱۳۸۳؛ هادلی، ۱۹۹۳؛ مناگر، ۱۹۹۴؛ آونز، ۱۹۹۵؛ فانکس، ۱۹۹۵؛ آرشر و هایگ، ۱۹۹۹). دلایل احتمالی تفاوت معنادار بین خشونت دانش آموزان دختر و پسر، از یک سو به عوامل ژنتیکی و هورمونی مانند هورمون های جنسی و سطح نیرو گذاری این هورمون ها در خون دانش آموزان دختر و پسر و از طرف دیگر، به عوامل فرهنگی و اجتماعی باز می گردد. به عبارت دیگر، در بیشتر جوامع و همین طور جامعه ما، بروز رفتار های پرخاشگرانه و خشونت آمیز نزد دختران، بیش از پسران طرد و سرکوب می شود و همین موضوع می تواند احتمال بروز رفتارهای خشن را در دختران کاهش و در پسران افزایش دهد.

البته باید توجه کرد که پژوهش حاضر، مبتنی بر دیدگاه آزمودنی هاست و متأسفانه از ملاک های عینی مانند ثبت دقیق شنیداری و دیداری موارد خشونت و پرخاشگری در مدرسه برخوردار نیست. این امر می تواند یکی از محدودیت های پژوهش حاضر تلقی شود و صد البته پیشنهاد می شود در پژوهش های بعدی از ملاک های عینی استفاده شود. همچنین با توجه به یافته های پژوهش پیشنهاد می شود که مسوولان نظام آموزشی، برنامه ها یا کارگاه های آموزشی را برای کاهش خشونت به ویژه در مدارس پسرانه تدارک و فراهم نمایند. در آخر، با توجه به اهمیت نقش عوامل خانوادگی و روابط والدین و فرزندان پیشنهاد می شود برنامه های آموزشی مانند مهارت های زندگی و روابط پدر و مادر با فرزند، به ویژه در جلسه های اولیا و مربیان برای والدین جهت کاهش خشونت در منزل و مدرسه ارائه شود.

## مآخذ

- امینی، جمال (۱۳۸۱). بررسی نگرش دانش‌آموزان مقطع متوسطه (دختر و پسر) استان کردستان در مورد علل شیوع بزهکاری اجتماعی در مدارس، پیشگیری و مقابله با آن در سال تحصیلی ۸۱-۸۰، وزارت آموزش و پرورش، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش کردستان.
- بازرگان، زهرا؛ صادقی، ناهید و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۸۲). بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش‌آموزان و معلمان، مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۳، شماره ۱، ۱-۲۸.
- بازرگان، زهرا و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۸۲). خشونت بدنی در مدرسه و راه کارهایی برای پیشگیری و کاهش آن. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال دوم، شماره ۶، ۱۳-۳۰.
- بازرگان، زهرا؛ صادقی، ناهید و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۸۳). خشونت کلامی از دیدگاه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول و سوم مدارس راهنمایی. پژوهش‌های روان‌شناختی، دوره ۷، شماره ۳-۴، ۷-۳۰.
- شوشتری، مژگان (۱۳۷۷). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری فردی، اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم مدارس راهنمایی شهر اهواز. شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان.
- گرچی، یوسف (۱۳۷۶). بررسی ملاک‌های نمره انضباط از دیدگاه مسولان مدارس استان چهارمحال و بختیاری، وزارت آموزش و پرورش، اداره کل آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری.
- محمدی، حکمت (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر در پرخاشگری دانش‌آموزان پسر دوره آموزش متوسطه استان اردبیل، وزارت آموزش و پرورش، شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش استان اردبیل.
- ملاحمه‌زاده، ویلا (۱۳۸۰). بررسی نقش اختلافات خانوادگی در بروز مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دوره راهنمایی و متوسطه شهرستان اردبیل، شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان اردبیل.

مهابادی، سیامک (۱۳۷۷). بررسی رابطه کژ رفتاری‌های اخلاقی اجتماعی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر اصفهان با عوامل آموزشی، وزارت آموزش و پرورش: شورای تحقیقات اداره کل آموزش و پرورش استان تهران.

Archer, J. and Haigh, A.(1999). Sex differences in beliefs about aggression: Opponent sex and the form of aggression. *British Journal of Social Psychology*,38(1),71-84.

Brich,S.,H. and Ladd,G,W.(1997).The teacher-child relationship and children's early school adjustment , *Journal of School Psychology*, 35 (1) 61-79.

Blomart , J. (2001). Prevenir la violence en milieu scolaire primaire. In Debarbieux , E. & Blaya ,C. , *La violence en milieu scolaire, Dix approches en Europe*.Paris :ESF(71-90).

Cox,R., and Gunn, W.( 1980).Interpersonal skills in the schools : assessment and curriculum development . in D. Rathjen and J. , Foreyt (Eds.) , *Social competence: Intervention for children and adults* (pp.113- 132).Elmsford, Ny; Pergamon Press.

Dahlberg, L. (1998). Youth violence in the United States: Major trends, risk factors,and prevention approach. *American Journal of Preventive Medicine*, 14, 259-272.

Dophner, M, Plack, J. and Lehmkuhl,G.(1996). Aggressivitat and dissozialitat von kindern und jugendlichen. Hamburg, zeitschrift Brigitte.

Funks,W.(1995). Nurenberger schuler studie 1994: Gewalt und schulen, Theoretische Ein Fuhoung und methodische analage der studie. pp:1-27, edited by walterfunks, Regensburg,s.Roderer.

- Galen, B. R., and Underwood, M.K.(1997). A developmental investigation of social aggression among children. *Developmental Psychology*, 33(4),589-600.
- Hudley, C.A.(1993).Comparing teacher and peer perception of aggression: An ecological approach. *Journal of Educational Psychology*, 85(2), 377-384.
- Levinson, B. A.(1998). Discipline seen from below: Student rationales for non-compliance in secondary schools in the United States of America. *Prospects*, VII, ,4.
- Losel, F. ,and Bliensener , T. (1995 ). Ursachen der gewalt un möglichkeiten der intervention, PP. 7-25. in : Gewalt und jungend. Texte zur inneren sicherheit, hrsg. Vom Bundesminister des inneren, bonn.
- Masselam, V.S. (1990). Parent-adolescent communication family functioning, and school performance. *Adolescence*, 25( 99) 725.
- Megargee, E. ,and Hokanson, J.(1970).The Dynamics of Aggression. Individual , group , and international analysis . Hariper & Row.
- Menaker, J.(1994) . Factors affecting school vandalism and violence. *Journal of National Organization Legal Problem of Education*,37(5), 17-19.
- Okeefe,M.(1999).Predictors of dating among high school students. *Journal of Interpersonal Violence*,12(4),546-588.
- Olweus, D.(1994).Aggression in schools: Bullies and whipping boys. Washington D. C. , Hemisphere Press.

- Owens, L. D. (1995). Aggression in schools: Gender and developmental differences. Paper presented at the annual meeting of the Australian Guidance and counseling association. 5<sup>th</sup>, Hobart, Tasmania, 2-7-30-1995.
- Smith, P.K. and Sharp, S. (1994). School bullying: Insights and perspectives. London: Routledge.
- Shek, D. L. (1998). A longitudinal study of Hong Kong adolescent's and parent's perceptions of family functioning and well-being. *Social Service Review*, 64, 121-142.

